



سی سالگی فرهنگستان

نخستین جلسه شورای فرهنگستان زبان و ادب فارسی روز دوشنبه بیست و ششم شهریورماه یکهزار و سیصد و شصت و نه برگزار شده است. بنابراین، در سال یکهزار و سیصد و نود و نه فرهنگستان سی ساله شده است و بجاست در سرمقاله شماره ۶۷ نامه فرهنگستان به مناسبت سی سالگی فرهنگستان سخنی گفته شود. می توان سرمقاله را به بیان دستاوردها و اقدامات فرهنگستان اختصاص داد و به کمک آمار و ارقام «کارنامه سی ساله» آن را منتشر کرد، اما راه دیگری نیز وجود دارد و آن اعلام سیاست‌ها و دیدگاه‌ها و خط‌مشی‌های اصولی و راهبردهایی است که فرهنگستان در این سی سال در پیش داشته یا بر اثر تجربه بدان‌ها رسیده است. در این مقاله، راه دوم برگزیده شده است.

مهم‌ترین مطلبی که باید بیان شود این است که «وظیفه فرهنگستان چیست و اصولاً چه نیازی به فرهنگستان وجود دارد». برای خوانندگان سرمقاله نامه فرهنگستان طبعاً لازم نیست استدلال و اثبات شود که زبان فارسی چه رابطه‌ای با هویت و ملیت ایرانی ما دارد. ما توافق بر سر این نکته مهم را میان خود و خوانندگان سرمقاله مسلم می‌گیریم. حقیقت این است که زبان در هر کشور و هر جامعه‌ای مانند یک موجود زنده احتیاج به مراقبت دارد. برای پیشگیری از بیماری‌هایی که می‌تواند عارض زبان شود مراقبت‌هایی شبیه مراقبت‌های بهداشتی و برای علاج آن بیماری‌ها مراقبت‌هایی درمانی لازم است. اهداف اصلی فرهنگستان، چنان‌که در اساسنامه آن آمده، به قرار زیر است: ۱. حفظ قوت و اصالت زبان فارسی به‌عنوان یکی از ارکان هویت ملی ایران و زبان دوم عالم اسلام و حامل معارف و فرهنگ اسلامی؛ ۲. پروردن زبانی مهذب و رسا برای بیان اندیشه‌های علمی و ادبی و ایجاد انس با مآثر معارف تاریخی در نسل کنونی و نسل‌های آینده؛ ۳. رواج زبان و ادب فارسی و گسترش حوزه و قلمرو آن در داخل و خارج کشور؛ ۴. ایجاد نشاط و بالندگی در زبان

فارسی به تناسب مقتضیات زمان و زندگی و پیشرفت علوم و فنون بشری با حفظ اصالت آن. پاسداری از زبان فارسی در ایران یک وظیفه حاکمیتی تلقی شده که با تغییر دولت‌ها دستخوش تغییر و تبدیل نخواهد شد و قابل تفویض به نهادهای غیرحاکمیتی و غیرحکومتی نیز نخواهد بود.

ممکن است بعضی بپرسند با وجود این همه دانشکده و گروه آموزشی ادبیات، که در سراسر کشور به آموزش و پژوهش مشغول‌اند، چه نیازی به دستگاہی به نام فرهنگستان وجود دارد؟ پاسخ این است که کار دانشکده‌ها و مراکز پژوهشی و آموزشی تابع ظرفیت‌ها و امکانات آنها و متأثر از سلیقه‌ها و گرایش‌های اعضای هیئت‌علمی و جهت‌گیری‌های هر مؤسسه است، اما وظایفی که برعهده فرهنگستان است جنبه ملی و رسمی و عمومی دارد که نتایج آن می‌باید مانند چتری بر سر کل کشور گشوده شود. این‌گونه تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری مستلزم «وحدت در تصمیم‌گیری» است و مقتضی آن است که از سوی همگان و به‌ویژه از سوی دستگاه‌های حکومتی به رسمیت شناخته شود و مبنا و ملاک قرار گیرد. رابطه فرهنگستان با دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی و آموزشی و از جمله «وزارت آموزش و پرورش» شبیه رابطه بانک مرکزی با دیگر بانک‌های خصوصی و دولتی کشور است. بانک‌ها در سراسر کشور به مشتریان خود خدمات پولی عرضه می‌کنند، اما سیاست‌های پولی کشور از قبیل نرخ سود و بهره بانکی یا میزان نقدینگی و شرایط پرداخت وام و تسهیلات را بانک مرکزی تعیین می‌کند و در اعلام نرخ برابری ارزهای خارجی با پول ملی نیز چنین نیست که هر بانکی جداگانه تصمیم‌گیری کند، بلکه چنین تصمیمی در همه کشورها از سوی بانک مرکزی گرفته و اعلام می‌شود. در کار زبان نیز اگر بنا باشد که چندین نهاد هر یک با معیارها و سلیقه‌های خاص خود تصمیم‌گیری کنند، هرج‌ومرج ایجاد خواهد شد و زبان خاصیت خود را به‌عنوان یک ابزار مورد قبول و مورد استفاده همگان برای ارتباط اجتماعی از دست خواهد داد.

□ پاسداری از زبان فارسی، که وظیفه اصلی فرهنگستان است، شناخت آسیب‌هایی را که سلامت زبان را تهدید می‌کند ضروری می‌سازد. می‌توان گفت که امروزه دو خطر اصلی و عمده زبان فارسی را تهدید می‌کند که یکی ورود بی‌حساب واژه‌های بیگانه و رواج آنهاست و دیگری بی‌اعتنایی نسبت به قواعد و اصول درست‌نویسی و درست‌گویی و سهل‌انگاری و بی‌مبالاتی نسبت به قواعد زبان و اصول نگارش. در مقابله با این آسیب جدی، سیاست فرهنگستان از یک سو شناخت ظرفیت‌ها و قابلیت‌های زبان فارسی و

استفاده هر چه بهتر و بیشتر از آنهاست و از سوی دیگر، رفع و دفع عواملی که در بیرون از ذات زبان به سلامت آن لطمه می‌زنند و مانع رشد و پیشرفت آن می‌شوند.

□ فراموش نمی‌کنیم که فرهنگستان فقط فرهنگستان زبان نیست، بلکه فرهنگستان ادب و ادبیات فارسی نیز هست. در پهنه وظایفی که برعهده فرهنگستان است یک دسته از وظایف مستلزم و مقتضی مصوبات و وضع ضوابط است، نظیر تدوین و تصویب «دستور خط فارسی» یا «قواعد املائی» و تثبیت واژه‌های مصوب. این بخش از ضوابط بیشتر به حوزه «زبان» مربوط می‌شود. بخش دیگری از وظایف فرهنگستان که به ادبیات مربوط می‌شود سختی با «باید» و «نباید»‌های مصوب ندارد. مقصود این است که در عالم ادبیات، نه فرهنگستان و نه هیچ نهاد و دستگاه دیگری نمی‌تواند به اهل ادب، که کارشان آفرینش ادبی است، دستور دهد که چه باید کرد و چه نباید کرد. فرهنگستان در حوزه «ادبیات» سعی می‌کند برای اهل ادب پشتوانه‌های علمی و ادبی مفید تأمین کند. به عبارت دیگر، خدمتی که فرهنگستان به اهل ادب فارسی می‌کند افزون بر غنای منابع ادبی، تولید و ترویج گفتمان‌های ادبی در انواع ادبیات کهن و معاصر و تطبیقی و ادبیات انقلاب اسلامی است.

□ فرهنگستان زبان و ادب فارسی معتقد است زبان فارسی با سابقه تاریخی کهن خود و امکاناتی که از لحاظ دستوری و واژگانی دارد می‌تواند برای مفاهیم و ابزارها و روش‌های تازه‌ای که با لغات بیگانه بیان می‌شوند معادل مناسب فارسی بیابد و بسازد. «اصول و ضوابط واژه‌گزینی» که مصوب شورای فرهنگستان است و پس از ده‌ها جلسه بحث و بررسی به تصویب رسیده، چارچوب واژه‌گزینی را مشخص می‌کند و سیاست‌های کلی فرهنگستان را در واژه‌گزینی منعکس می‌سازد. سیاست فرهنگستان در همه زمینه‌ها، چه در باب سرگرای و چه استفاده از واژه‌های عربی رایج در زبان فارسی و چه از حیث اصلاحات در دستور خط فارسی، رعایت اعتدال و دوری از افراط و تفریط است. در واژه‌گزینی اولویت با «فارسی معیار» و متداول امروزی است و سعی بر آن است که در وهله اول از برابرهای فارسی برای واژه‌های بیگانه انتخاب شود و تنها در صورتی که چنین کاری ممکن نباشد، به سراغ لغات عربی متداول در زبان فارسی، یا واژه‌های متعلق به فارسی میانه و فارسی باستان و حتی گویش‌های محلی و زبان‌های ایرانی باید رفت.

□ در «واژه‌گزینی» ترویج واژه‌های نوساخته و نویافته‌ای که قرار است به‌جای واژه بیگانه بنشینند به اندازه تولید آنها اهمیت دارد. بنای کار فرهنگستان بر آن است که یافتن

معادل‌های فارسی اصطلاحات بیگانه را به گروهی متخصص در همان رشته و فن بسپارد و معادل پیشنهادی گروه‌های تخصصی را به اطلاع همکاران ذی‌ربط آنها و نیز همه یا بخشی از جامعه برساند. اینجاست که ارتباط فرهنگستان با اهل قلم و مترجمان و رسانه‌ها و به‌ویژه صداوسیما به امری بسیار جدی و تعیین‌کننده مبدل می‌شود.

□ فرهنگستان بنا ندارد واژه‌های مصوب خود را به صورت «آمرانه» و با دستور از بالا رواج دهد. هم ماهیت زبان چنین اقتضایی ندارد و هم تجربه تاریخی فرهنگستان اول عبرت‌آموز بوده‌است. انتشار و ترویج واژه‌های فرهنگستان در فضای آزاد جامعه، ممکن است به‌ظاهر دیرتر از اعمال آنها به جبر و زور نتیجه بدهد، اما هر نتیجه‌ای به‌دست آید مسلماً ماندگارتر خواهد بود.

□ کاری که فرهنگستان در سی سال گذشته در «واژه‌گزینی» به‌انجام رسانده به تولید دانش در این عرصه منتهی شده‌است؛ دانشی که از بطن و متن عمل زاده شده‌است. فرهنگستان این تجربه ارزشمند را دستمایه تأسیس «پژوهشکده واژه‌گزینی» و تدوین یک برنامه درسی برای ایجاد دوره «کارشناسی ارشد واژه‌گزینی» ساخته و در شش سال اخیر با پذیرش دانشجو برای این دوره سعی کرده‌است برای زبان فارسی کارشناس و پژوهشگر واژه‌گزینی تربیت کند و بعید نیست که در آینده دوره دکتری این رشته را ایجاد کند. دانش‌آموختگان این رشته می‌توانند واژه‌گزینی را برپایه روش‌های علمی بیاموزند و آن را در کشور گسترش دهند تا به تدریج در جامعه علمی ایران به‌صورت یک فعالیت دانشگاهی درآید.

□ فرهنگستان به شوخی‌هایی که گهگاه در رسانه‌ها با واژه‌گزینی می‌شود اعتراضی ندارد. مشکل آنجاست که گاهی کسانی که خندانند مردم را شغل خود ساخته‌اند برای گرمی بازار خویش در فضای مجازی واژه‌هایی را به فرهنگستان نسبت می‌دهند که ساخته فرهنگستان نیست. ای کاش به همان اندازه که عده‌ای در سال‌های اخیر با واژه‌های فرهنگستان شوخی کرده‌اند اهل ادب و زبان‌شناسان آن واژه‌ها را جدی می‌گرفتند و با نقد عالمانه خود به کار فرهنگستان در اجرای وظایف خود کمک می‌کردند.

□ اما در باب آنچه از آن به «درست‌نویسی و درست‌گویی» یاد کردیم باید گفت فارسی‌دانی و فارسی‌نویسی درست مستلزم برخورداری از «آموزش درست» است. در هر کشوری پایه‌های زبان ملی آن کشور در مدرسه‌ها محکم می‌شود. در ایران هم باید این کار از آموزش و پرورش و مدارس آغاز شود. تقویت زبان فارسی دانش‌آموزان خود مسئله‌ای

است که به عوامل مختلفی نظیر «معلم متخصص» و «کتاب درسی» و «برنامه آموزشی و درسی» و «مقررات امتحانی» و «امکانات آموزشی» بستگی دارد. فرهنگستان علاوه بر آنکه با وزارت آموزش و پرورش همکاری دارد، سعی می‌کند با تألیف کتاب‌های مرجعی مانند دانشنامه زبان و ادب فارسی راه را برای افزایش سواد فارسی و ادبی معلمان هموارتر و دسترسی آنان را به منابع لازم آسان‌تر سازد.

□ سیاست دیگر فرهنگستان پاسداری از گنجینه واژگانی زبان فارسی است. ضرورت تألیف «فرهنگ جامع زبان فارسی» از همان آغاز کار فرهنگستان احساس می‌شد. زبان فارسی بعد از لغت‌نامه دهخدا، که بر طبق معلومات و امکانات نود سال پیش تألیف شده، دیگر صاحب فرهنگ لغتی که مدعی جامعیت باشد، نبوده است. طی نود سال اخیر هم دایره واژگانی این زبان وسعت یافته و هم راه‌ورسم فرهنگ‌نویسی تحول و تکامل یافته است. در حال حاضر چنین فرهنگی در دست تألیف است و مجلدات ابتدایی آن نیز انتشار یافته است.

□ فرهنگستان به همه زبان‌هایی که مردم ایران بدانها تکلم می‌کنند اهمیت می‌دهد و آنها را واقعیتی انکارناپذیر در کشور می‌داند، اگرچه هنوز نتوانسته است وظیفه خود را نسبت به همه این زبان‌ها ادا کند. هم زبان‌های مردم ایران و هم زبان‌های ایرانی و هم گویش‌های زبان فارسی از نظر فرهنگستان بخشی از «میراث فرهنگی» کشور ما به‌شمار می‌روند و فرهنگستان نسبت به گردآوری روشمند گویش‌ها و پژوهش در زبان‌های فارسی باستان و فارسی میانه و دیگر زبان‌های ایرانی اهتمام دارد.

□ سیاست دیگر فرهنگستان پژوهش‌های بنیادی و زیرساختی در حوزه‌هایی است که دانشگاه‌ها بدان احتیاج دارند. به‌عنوان نمونه، درس ادبیات تطبیقی و رشته‌ای به همین نام سال‌هاست در جای‌جای کشور تدریس می‌شود، بی‌آنکه درباره معنی و مفهوم آن و اصول و مبانی و روش تدریس و محتوای آن درس فهم مشترکی میان استادان و پژوهشگران وجود داشته باشد. چنین است وضع درس‌هایی مانند «ادبیات انقلاب اسلامی» و «ادبیات معاصر» که فرهنگستان با تأسیس گروه‌هایی پژوهشی در این‌گونه امور می‌کوشد تا برای تدریس و تحقیق در آنها یک شالوده و مبنای محکم و یک زیرساخت منطقی و متقن به‌وجود آورد تا آموزش‌های دانشگاهی ما بر پایه اصول معقول و مشترک پایه‌گذاری شود. آموزش دستور زبان فارسی نیز امری است که نیازمند پژوهش‌های بنیادی است و

فرهنگستان با تشکیل گروه دستور زبان فارسی و دستور خط فارسی و انتشار مجله پژوهشی دستور سعی می‌کند چراغ تحقیق دانشگاهی را در دستور زبان فارسی روشن نگاه دارد.

□ با گسترش فضای مجازی چالش جدیدی در برابر خط و زبان فارسی ایجاد شده است که اختصاصی به زبان فارسی هم ندارد و مسئله‌ای عمومی و جهانی است. فرهنگستان می‌کوشد تا با شناخت واقعیت این پدیده، درباره چگونگی مواجهه با آن تصمیمی واقع‌بینانه و منطقی بگیرد.

□ زبان فارسی روزگاری در بخش‌های وسیعی از آسیا رونق و رواج و رسمیت داشته است. آگاهی از میراث به‌جامانده در آن سرزمین‌ها بخشی از تاریخ ادبیات فارسی است که اگر جمهوری اسلامی ایران به تحقیق و تدوین آن همت نگمارد، شاید برای همیشه به فراموشی سپرده شود. بر این اساس، در گروه شبه‌قاره فرهنگستان دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره در دست تدوین است و تاکنون پنج جلد از هشت جلد آن منتشر شده است. همچنین «گروه ادب فارسی در آسیای صغیر» تأسیس شده تا کاری مشابه آنچه درباره شبه‌قاره به انجام رسیده صورت پذیرد.

□ فرهنگستان انتشارات نیز دارد. سیاست انتشاراتی فرهنگستان آن است که عموماً کتاب‌هایی را منتشر کند که ناشران خصوصی به دلایلی نتوانند یا نخواهند آنها را چاپ کنند. سرمایه‌گذاری برای تألیف دانشنامه زبان و ادب فارسی و نیز دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره و یا انتشار تصحیح تازه‌ای از مثنوی مولوی (با همکاری ناشر خصوصی) از مصادیق این سیاست است.

□ در باب تصحیح نسخه‌های خطی سیاست فرهنگستان این است که الگویی به دست مصححان جوان داده شود تا به کار گیرند. گروه تصحیح متون فرهنگستان، در اجرای این سیاست، نمونه‌هایی از متون کهن فارسی را تصحیح و منتشر کرده است.

□ فرهنگستان کتابخانه‌ای دارد با حدود یکصد و پنجاه‌هزار عنوان کتاب فارسی و پنجاه‌هزار عنوان کتاب لاتین که بزرگ‌ترین کتابخانه تخصصی ادبیات در کشور است. این کتابخانه پستوانه پژوهشی پژوهشگران فرهنگستان است و برای کمک به دانشجویان و استادان ادبیات فارسی و زبان‌شناسی دانشگاه‌ها نیز آمادگی دارد.

□ فرهنگستان سعی می‌کند با انتشار انواع مجلات پژوهشی نامه فرهنگستان و فرهنگ‌نویسی و دستور و ادبیات تطبیقی و ادبیات انقلاب اسلامی و مطالعات واژه‌گزینی و

شبه‌قاره و مطالعات آسیای صغیر و زبان‌ها و گویش‌های ایرانی استادان و دانشجویان و پژوهشگران را با پژوهش‌های تازه آشنا سازد.

□ فرهنگستان تاکنون همایش‌های علمی متعددی برگزار کرده که از جمله می‌توان به دو همایش بین‌المللی «هزاره شاهنامه» و «غزنه و زبان و ادب فارسی» در سال‌های اخیر اشاره کرد. علاوه بر این، سال‌هاست که استادان و پژوهشگران، با ایراد سخنرانی‌هایی که همه‌ماهه برگزار می‌شود، حاصل تحقیقات خود را در اختیار دیگر همکاران خود می‌گذارند. شمار سخنرانی‌های انجام‌شده به یکصد سخنرانی بالغ می‌شود.

□ بیان این سیاست‌ها به معنی آن نیست که فرهنگستان در اجرای همه آنها به توفیق کامل دست یافته‌است. همواره موانعی، چه در داخل فرهنگستان و چه در خارج آن، وجود داشته که میان آنچه خواسته‌ایم و آنچه ساخته‌ایم فاصله افکنده‌است که شرح «این هجران» را به وقتی دیگر باید وا گذاشت.

غلامعلی حدّاد عادل